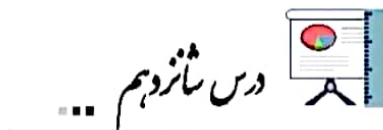


جمعه کلمات درس شانزدهم کلمات هم معنی	
عجیب - شگفت، غریب	حمد - ستایش، ستوفن و ...
معلق - آویزان	نهاد - قرار داد، گذاشت
فیلسوف - دانشمند عالم فلسفه	روی دادن - اتفاق افتادن
واپسین - آخرین، پایانی	گمان - شک، خیال
بالین - بستر، بالش و ...	صنعه - آسب، زبان
میگن - نمیکن، نینداز	دانش‌دووزی - معلم آموزی، یادگیری و ...



املا دادن:

الف) دانش‌اندوزی - فیلسوفان - گسترش - سپری - علاقه - چهل - گریزان - می‌گذرانید - احوال‌پرسی - توضیح - بستر - مسئله - درگذرم

ب)

ع: علم - علاقه - علت - علامت - عجیب - معلق

ه: جاهل - بهتر - مسئله - بریده - همواره - تشنه

پ) به دلخواه دانش آموز

۱. معلق ← آویزان    وابسین ← آخرین    جاهل ← نادان    گریزان ← شنایان

۲. الف) درست

ب) نادرست، هر کودک حق دارد آزاده فکر خود را به دیگران بگوید.

پ) درست

د) نادرست، گوش انسان‌ها منتظر هزاران جواب است.

۳. جهل، جهالت، جاهل

کشف، اکتشاف، کاشف

معلق، تعلق، تعلقات

فلسفه، فیلسوف، فلاسفه

۴.

الف) دانش آموز ورقه را به معلمش داد

ب) مادر فرزندش را در گهواره خواباند

پ) دوستم توپ را از فروشنده گرفت

۵. باهوش - ریاضی‌دان - احوال‌پرسی - دانش‌اندوزی

نوشتن متن به عهده دانش آموز

۶. توانا بود هر که دانا بود    ز دانش دل پیر برنا بود

به دانش فرای و به بزدان گرای    که او باد، جان تو را رهنمای

بیاموز و بشنو ز هر دانشی    بیایی ز هر دانشی، رامشی

میاسای از آموختن، یک زمان    ز دانش بیفکن، دل اندر گمان

الف) فردوسی

ب) برنا ← جوان

میاسای ← آسوده نباش

بی رامش ← بدون آرامش

ب) بیت اول، بیت آخر

توانا بود هر که دانا مود

تن مُرده چون مرد بی دانش است

۷. به دلخواه دانش آموز

۸

الف) گزینه «۴»

ب) گزینه «۲»

پ) گزینه «۳»

ت) گزینه «۱»

ث) گزینه «۴»

خوانش و بردارش:

۹. الف) پسر بچه مقداری خاک را در کف دستش ریخت به عنوان طرف

ب) به عهده دانش آموز

پ) پدر و مادر پسر بچه

ت) به عهده دانش آموز

ز دانش دل ببر مرنا بود

که نادان به هر جای، بی رهش است

حبه کلمات درس هفتم کلمات هم معنی	
رحمت - بخشش، مهربانی و ...	نمایان شد - آشکار شد
ذکر - یاد کردن، دعا خواندن	تأم نوری - نوعی نام که با آن روی تخته هوشمند می‌پویسد.
کز - دروغ	فناوری - استفاده از علم در کارهای مختلف مانند پزشکی، بازرگانی و ...
	ویز نقش - کسی که نامت و قدام کوچکی دارد